

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز و ضمن تشکر: بنده از تهران سخنرانیها و کتب شما را دنبال می‌کنم و خیلی شیفته شخصیت حضرتعالی شده‌ام تقاضا دارم دو سؤال بنده را جواب بدهید اگر ایرادی در سؤالات مشاهده فرمودید بیان بفرمایید: ۱. حضرتعالی در بیاناتتان فرمودید بالاخره شیعه‌ها به بهشت می‌روند منظور کسانی‌اند که فقط به ائمه‌علیهم‌السلام اعتقاد دارند بدون رعایت حلال و حرام یا با رعایت حلال و حرام الهی؟ ۲. آیا انسان‌ها مستعد ورود به عالم لاهوت می‌باشند؟ اگر جواب مثبت است تفاوت انسان لاهوتی با کسی که فقط رعایت حلال و حرام خدا را می‌کند در برزخ و قیامت چیست؟ در صورت امکان مورد ۲ را جواب مفصل بدهید یا منابعی جهت مطالعه و جواب دقیق معرفی بفرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در روایاتی که می‌فرمایند بالاخره شیعیان ما به بهشت می‌روند؛ با نظر به این نکته‌ی مهم است که شیعه، شخصیت پذیرفته‌ی خود را امام معصوم قرار داده است و به این لحاظ هرگز از گناهی که انجام می‌دهد، راضی نیست تا آن گناه در وجودش نهادینه شود ۲- مبانی اصلی هر انسانی حضور در محضر ربّ بوده که همان «عهد الست» است و رعایت حلال و حرام الهی موجب می‌شود تا آن عهد همواره زنده بماند و با رحلت انسان، آن مقامی که مقام انس با پروردگارش بود، برایش ظهور کند البته با تفاوتی که در علم و عمل داشته است. زیرا رجوع به حق امری است تشکیکی. بنده عرایضی در رابطه با آیات ۱۷۲ و ۱۷۳ سوره اعراف داشته‌ام که عیناً خدمت‌تان ارسال می‌دارم: آیات مذکور خبر از تعهد فطری انسان در مقابل خدا می‌دهد که انسان ذاتاً حق را می‌شناسد و ربوبیت او را پذیرفته، می‌فرماید: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ، أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ»

یعنی آنگاه که از فرزندان آدم، از پشت نسل‌هایشان، تعهد گرفتیم، خودشان را گواه خودشان گرفتیم، که آیا من ربّ شما نیستم؟ گفتند: آری شهادت می‌دهیم. این کار را کردم تا روز قیامت نگویند ما نسبت به ربوبیت تو غافل بودیم، یا بگویند که پدران ما مشرک بودند و ما هم فرزندان آنها بودیم و از خود اطلاعی نداشتیم، آیا ما را هلاک می‌کنی به جهت کاری که آن باطلان کردند؟

نتایج آیه :

الف □ ذات همه انسان‌ها با پروردگار خود روبرو شده‌است.

ب □ همه بدون استثناء ذاتاً به رب بودن خداوند شهادت داده‌اند.

ج □ همه با يك علم ذاتي و حضوري پروردگارشان را مي‌شناسند.

د □ در قیامت بدکاران نمی‌توانند بگویند ما از ربوبیت خداوند بی‌اطلاع بودیم، چون جانشان چنین تصدیقی را همواره داشته و آنها با مشغول کردن خود به دنیا، آن صدا را در خود خاموش کرده و در نتیجه نشنیدند.

ه □ با توجه به این ذات و فطرتِ آشنایی به پروردگار هستی، نمی‌توانند بگویند چون پدران ما مشرک بودند ما هم مشرک شدیم و محیط و تربیت خانوادگی را بهانه‌ای برای بدبودن خود بگیرند. لذا ریشه اصلی بد بودن و خوب بودن هر کس، خود فرد است و محیط و خانواده و پدر و مادر و جامعه و ژن، همه‌شان علت مُعَدّه یا شرایط هستند و علت اصلی خود انسان است که در مقابل ندای فطرت چه موضع و انتخابی بکند. و چه بسا از والدین غیر صالح و در محیطی فاسد، انسان‌هایی متعالی سربرآورند، چرا که این انسان‌ها نگذاشتند صدای فطرت در جانشان خاموش شود.

و - این نوع رویارویی با پروردگار که از طریق علم حضوري و شهود قلبی انجام می‌گیرد، جای انکار و عذری باقی نمی‌گذارد.

ز - چون انسان فطرت و ذاتی دارد که آن ذات و فطرت، خدا را می‌شناسد، انسان می‌تواند با فعال نگه داشتن آن فطرت، حق را از باطل تشخیص دهد.

ح □ کار مربی در اصلاح انسان‌ها « ذکر و تذکر » به حقایق است تا انسان براساس فطرتش به خود آید و به خود حقیقی‌اش که از رسیدن به آن راضی است، دست یابد، نه از خود گرفته شود. و نقش اصلی را در پذیرفتن ندای فطرت و یا پشت کردن به آن، خود فرد به‌عهده دارد و به همین جهت هم می‌شود از يك پدر و مادر در شرایط مساوی دو فرزند به‌وجود آید که یکی کاملاً به فطرت خود پشت کرده‌باشد و لذا نباید نقش محیط و خانواده و امثال این‌ها را عمده کرد و بدی بدکاران را از دوش آنها برداشت، و یا والدین علت اصلی انحراف فرزندان را به خود نسبت دهند.

۷- توحید فطری : یعنی انسان فطرتاً هم خدا را « خالق هستی » و هم « رب هستی » و هم « اله و معبود هستی » می‌شناسد. یعنی فطرت انسان، توحید را در همه ابعاد آن درک می‌کند. لذا امام معصوم (علیه‌السلام) می‌فرماید: « فَطَرَهُمْ عَلَي التَّوْحِيدِ » یعنی براساس توحید، انسان سرشته

شده. و در نتیجه در عمق جانش می‌فهمد خدایی در صحنه است که هم خالق هستی و هم رب هستی و هم معبود اوست.

در همین رابطه قرآن می‌فرماید:

« أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ، وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ » (یس / ۶۰)

یعنی ای فرزندان آدم! مگر به شما سفارش نکردم و شما تعهد نکردید که شیطان را نپرستید، زیرا که او برای شما دشمنی آشکار است، و مرا پرستید که راه مستقیم همین است و بس.

یعنی راه راست، همان راه است که فطرت انسانی نشان می‌دهد و آن پرستش خدای یگانه است و پرستش هر معبودی غیر خدا کج‌روی و انحراف از مسیر مستقیم فطرت است و فراموشی پرستش خدای متعال در واقع؛ دورافتادن از فطرت انسانی و فراموش کردن خویشتن حقیقی خویش است.

۸ □ تأکید تعالیم آسمانی بر تزکیه با هدف:

الف- توجه دادن انسان است به نیازهای اصیل فطری و رهایی از نیازهای دروغین.

ب- تقویت میل فطری خداخواهی که در عمق جان انسان‌ها هست.

ج- برداشتن پرده‌های ظلمانی از روی دل و ایجاد فضای مساعد روحی برای توجه به خدا.

د- انطباق سیر نظری و علمی با سیر اخلاقی و عملی، تا آینه دل بتواند انوار الهی را به خوبی جذب کند. چرا که وقتی آنچه را اندیشه می‌شناسد تزکیه اخلاق در صحنه عمل آورد، روح انسان زمینه پذیرش هرچه بیشتر انوار الهی را در خود ایجاد کرده‌است. موفق باشید